



## این قدر زر به پای فرزندت نریز!

پدر به دو فرزند خود نگاه می‌کند. دختر و پسر که هر دو از دانشگاه آزاد فارغ‌التحصیل شده‌اند، اما طی این سال‌ها نتوانسته‌اند برای خود شغلی دست و بکنند و سرگرم شوند.

پدر به دو فرزند خود نگاه می‌کند. دختر و پسر که هر دو از دانشگاه آزاد فارغ‌التحصیل شده‌اند، اما طی این سال‌ها نتوانسته‌اند برای خود شغلی دست و بکنند و سرگرم شوند. البته برای آن دوچندان مهم نیست. سرشان را با تفریح گرم کرده‌اند و خیالشان هم راحت است که از لحاظ مادی مشکلی ندارند چون همواره پدری ثروتمند حمایتگرشان بوده است، اما این چیزی نیست که پدر از دو فرزند خود می‌خواست. تصویر این قدر زر به پای فرزندت نریز!

او به خیال خود در دوران کودکی و نوجوانی فرزندان را در رفاه بزرگ کرد به امید این که فرزندان خوشبخت و موفق بار بیایند و در آینده ادامه دهنده راه پدر شوند. پدر اکنون متوجه شده که آن رویه تربیتی سراسر اشتباه بوده و پول فراوان خرج فرزندان کردن، تاثیری منفی بر رشدشان داشته، اما متأسفانه کمی دیر به اشتباه خود پی برده است.

نظر شما چیست؟ آیا والدینی که اصرار دارند فرزندان را از لحاظ مادی تامین کنند عملکردی درست دارند یا اساس کارشان اشتباه است و در آینده به وضعیتی مشابه این پدر دچار می‌شوند؟ آیا اشباع کردن بچه‌ها از هر آنچه می‌خواهند، مطابق با سبک زندگی اسلامی - ایرانی است و آنها می‌توانند در آینده نمونه‌هایی بی‌ZWNJ& بی‌ZWNJ& نقص و قوی از مردمی معتقد و درستکار باشند؟

## داشتن و نداشتن

زهره منصوری، خانمی کارمند است و در زندگی زناشویی خود برای مسائل اقتصادی اهمیت ویژه‌ZWNJ& ای قائل است، اما همواره بخش سنگینی از بودجه خانوادگی را به لباس، اسباب‌ZWNJ& بازی و انواع و اقسام وسایل برای تک‌ZWNJ& دخترشان اختصاص می‌دهد و همین باعث می‌ZWNJ& شود هیچ وقت دخل و خرج زندگی‌ZWNJ& شان آن طور که باید و شاید با هم نخواند. وقتی دیگران از او علت این همه خرج کردن برای بچه را می‌ZWNJ& پرسند پاسخ می‌ZWNJ& دهد بچه نباید عقده‌ZWNJ& ای شود و باید هر چه می‌ZWNJ& خواهد در دسترسش باشد تا بعدها حسرت به دل نماند.

## آیا کار خانم منصوری درست است؟

به گفته سرور بدیعیان، کارشناس ارشد روان‌ZWNJ& شناسی عمومی، والدین باید در روند رشد و تربیت فرزند کمک کنند که او هر دو حس &داشته‌ن؛ و &نداشتن؛ را تجربه کند چون این تجربه لازمه‌ZWNJ& ای بنیادین در شکل‌ZWNJ& گیری شخصیت اوست. وقتی فردی با تلاش به چیزی دست می‌ZWNJ& پابد، اعتماد به نفس بیشتری پیدا می‌ZWNJ& کند، اما نرسیدن، سرخوردگی و افسردگی در پی دارد. هر فردی باید در دوران رشد هر دوی این حالات را تجربه کند تا در سنین بزرگسالی چگونگی کنار آمدن با نرسیدن و تلاش برای موفق شدن را آموخته باشد، اما فرزندی که همواره از طرف والدین به طور کامل تامین بوده، هرگز تلاشی نکرده و در هیچ زمینه‌ZWNJ& ای ناکام نشده و اگر در بزرگسالی به چیزی نرسد، به درستی نمی‌ZWNJ& داند باید چه عکس‌ZWNJ& العملی نشان دهد و بشدت افسرده و غم‌ZWNJ& زده می‌ZWNJ& شود. سرخوردگی و افسردگی ره آورد حمایت بیش از حد والدین است.

## نه گفتن

بدیعیان نه گفتن بموقع را بخشی واجب از رشد و پرورش هر کودکی می‌ZWNJ& داند و معتقد است والدین باید در موارد ضروری به فرزندان پاسخ منفی بدهند. کودک باید یاد بگیرد خواسته نامعقول اجابت نمی‌ZWNJ& شود یا اگر انجام عملی فعلاً مقدور نیست تا مدت زمانی مشخص باید به تعویق بیفتد. زندگی سراسر پاسخ‌ZWNJ& های منفی است و والدین باید فرزند خود را با این مساله آشنا کنند تا او در دوران بزرگسالی نحوه عکس‌ZWNJ& العمل نشان دادن را بلد باشد.

پارمیدا دختری 19 ساله و تک فرزند است. از آن دسته دخترها که از ابتدای تولد کانون توجه خانواده و پدربزرگ و مادر بزرگ بود و همیشه همه چیز را در اختیار داشت. در دوران کودکی تمام وسایل بازی را داشت و از وقتی پا به مدرسه گذاشت به کمک انواع معلم خصوصی و کلاس جزو شاگردان نسبتا خوب بود. این وضع تا دانشگاه ادامه داشت، اما پس از آن تغییر کرد.

در دانشگاه همکلاسی‌ها را از گروه‌ها و طیف‌ها و طیف‌های مختلف جامعه می‌دید؛ آنجا متوجه شد ویژگی‌هایی در برخی از آنها وجود دارد که برای او دست یافتنی نیست. او میان دوستان محبوب نبود و نمی‌توانست جایگاه خود را در هیچ گروهی پیدا کند. درس‌ها مانند دوران مدرسه به کمک معلم خصوصی پیش نمی‌رفت و کار برای او دشوار شده بود. پارمیدا عادت نداشت برای موفقیت تلاش‌های سنگین بکند، اما توقع داشت مانند گذشته از سوی دیگران تشویق و تمجید شود و این اکنون ادامه نداشت. پارمیدا با پیچیدگی‌های روابط عاطفی آشنا نبود و خیلی زود در این زمینه هم شکست خورد.

مشکل پارمیدا و امثال او این است که گمان می‌کنند همه چیز با پول خریدنی است. پدر و مادر تا دوره‌های هرآنچه برایشان مقدور بوده برای او تهیه کرده‌اند. مدارس غیرانتفاعی که او در آنجا تحصیل می‌کرد هم برای حفظ شاگردان ثروتمند خود مرتب آنها را مورد تشویق قرار می‌دادند، اما خیلی زود دوره این نوع زندگی به سر می‌رسد. هنگامی که این فرزندان نازپرورده قدم به جامعه می‌گذارند آنجا را مکانی متفاوت از محیط قبلی زندگی‌شان می‌بینند و سخت‌ترین بخش کار برای آنها این است که در این فضا دیگر همه چیز با پول خریدنی نیست. محبوبیت، موفقیت، رشد و پیشرفت و تشویق‌های واقعی را نمی‌توان با پول خرید، اما والدین با تربیت اشتباه این مساله را به فرزند خود نیاموخته‌اند و او هنگامی که در جامعه قرار می‌گیرد شیوه عملکرد صحیح را نمی‌داند.

#### کدام انگیزه؟

ندا طاهری از دوران کودکی به آموزشگاه زبان می‌رفت و برخلاف بسیاری دیگر از همسن و سالان خود این نوع آموزش را بشدت جدی می‌گرفت. ندا از خانواده‌ای با وضعیت اقتصادی متوسط بود و بخوبی می‌دانست پرداخت همین هزینه آموزشگاه هم برای والدینش چندان راحت نیست. او در دل نقشه‌هایی داشت و برای رسیدن به آنها نهایت تلاشش را می‌کرد. چند سال بعد در دوران تحصیل در دانشگاه همزمان با درس خواندن به تدریس خصوصی و در کلاس هم مشغول شد. در عین حال برای تبدیل شدن به یک مترجم زبده بسیار تلاش می‌کرد. ندا انگیزه قوی برای ایستادن روی پای خود داشت و به همین دلیل سختی درس و کار همزمان را به جان می‌خورد تا بتواند باری از دوش خانواده بردارد.

این چیزی نیست که فرزندان که در رفاه بزرگ می‌شوند درک کنند. به گفته بدیعیان این فرزندان هرگز مفهوم نداشتن را درک نکرده‌اند و به همین دلیل انگیزه‌ای برای تلاش ندارند. چرا سختی بکشند و سختکوشی کنند وقتی می‌دانند به محض حکم دادن برای تهیه چیزی با اطاعت بی‌چون و چرای والدین روبه‌رو می‌شوند؟! برآستی چنین والدینی انگیزه تلاش را از فرزندان خود سلب می‌کنند.

#### مشکلات ازدواج

از جمله مشکلاتی که این والدین برای فرزندان خود می‌آفرینند سختی‌های زندگی زناشویی است. در این زمینه بدیعیان می‌گوید وقتی کودکی عادت می‌کند همه چیز را از سوی والدین دریافت کند خود به خود این امر به او مشتبه می‌شود که دیگران موظف به برآورده کردن خواسته‌های اویند؛ پس احکام او باید یک به یک اجرا شوند بی‌آنکه حتی نیاز به تشکر باشد. طبیعی است چنین فرزندی پس از ازدواج همین حالت طلبکار را نسبت به همسر خود حفظ می‌کند و از این که اوضاع را مانند گذشته نمی‌بیند تعجب زده می‌شود. معمولا ازدواج این افراد با شکست مواجه می‌شود و مقصر همان والدینند.

معجزه‌ای به نام صبر

خانمی همراه پسر کوچکش از کنار فروشگاه‌ها می‌گذرد و گاهی برای نگاه انداختن به ویتترین‌ها

دقیقه‌ها و ای توقف می‌کند. به اسباب‌بازی فروشی که می‌رسند پسرک بهانه ماشین موردعلاقه‌اش را می‌گیرد و آنقدر اصرار می‌کند که مادر قبول کرده و آن را برای فرزند می‌خرد. هنگامی که از پارک رد می‌شوند فرزند اصرار به بازی دارد و با این که مادر عجله دارد باید ساعتی برای او منتظر بماند. پس از آن به سمت خانه برمی‌گردند. مادر در راه دوستش را ملاقات می‌کند و دوست دارد دقایقی با او صحبت کند، اما نمی‌تواند چون پسر می‌خواهد هر چه زودتر به خانه برود و برنامه تلویزیونی موردعلاقه‌اش را تماشا کند. این کودک چیزی از صبر و تحمل یاد نگرفته چون در اصول تربیتی والدینش گنجانده نشده است.

به گفته بدیعان آموزش صبر و تحمل و صرف زمان برای رسیدن به خواسته یکی از لازمه‌های تربیت انسان است. وقتی کودک چیزی گرانقیمت از والدین می‌خواهد و آنها بلافاصله تهیه می‌کنند هرچند برای انجام این کار مجبور به تحمل سختی شوند در واقع در حق فرزند خود بزرگ‌ترین اجحاف را روا داشته‌اند. اگر دوست دارند برای کودک آن چیز را تهیه کنند، باید به او مفهوم گرانی و دور از دسترس بودن را بیاموزند و بعد قرار بگذارند تا چند ماه دیگر از طریق پس‌انداز کردن ماهانه مبلغ را جمع کرده و بعد شیء موردنظر را تهیه کنند. به این ترتیب کودک می‌آموزد که رسیدن به خواسته‌ها از طریق صبر و تلاش امکان‌پذیر است و صبوری و تحمل، کلید رسیدن خواهد بود.

### مفهوم پول توجیبی

بسیاری از ما با مرور خاطرات دوران کودکی و نوجوانی به یاد طعم شیرین پول توجیبی می‌افتیم که اول هفته یا ماه از والدین دریافت می‌کردیم. کم بود ولی به اندازه‌ای بود که بتوانیم هر از گاهی با هم‌کلاسی‌ها و دوستان ضیافتی کوچک به راه بیندازیم و خاطره آن را تا مدت‌ها در سینه حفظ کنیم. گاهی چیزی می‌خواستیم که تنها راه رسیدن به آن همین پول توجیبی بود و مجبور بودیم برای رسیدن به آن تا مدت‌ها پول توجیبی را پس‌انداز کنیم و چقدر زیبا بود خریدی که از طریق همین پس‌انداز کردن به دست می‌آمد. پول توجیبی اولین درس اقتصاد در تاریخچه زندگی ما بود، اما آیا برآستی چنین چیزی در زندگی کودک یا نوجوانی که از هر لحاظ غرق رفاه است وجود دارد؟ از همان ابتدا کلاس درس اقتصاد برای این بچه‌ها بسته شده و والدین، خود را از آموزش این درس به فرزندان خود معاف کرده‌اند.

### والدین حسرت به دل

مریم صبوری از همسرش گلایه می‌کند و می‌گوید: «شوهرم بیش از حد برای پسر خرید می‌کند و تمام هوس‌های کودکم را بلافاصله برآورده می‌کند. هر بار که این پدر و پسر از خانه خارج می‌شوند، هنگام بازگشت یک اسباب‌بازی جدید در دست دارند و این رویه تقریباً هر هفته تکرار می‌شود. وقتی به شوهرم اعتراض می‌کنم پاسخ می‌دهد خودش در دوران کودکی حسرت خیلی چیزها را داشته و الان که آنها را برای پسرش تهیه می‌کند لذت می‌برد و حس می‌کند حسرت خودش رفع شده. شوهرم از این وضعیت خوشحال است، اما من ناراحتم چون می‌بینم اتاق پسرم پر از اسباب‌بازی‌هایی شده که او به آنها حسنی ندارد و برایشان ارزشی قائل نیست.»

بدیعان می‌گوید این نوع والدین در دوران کودکی نیازهای سرکوب شده‌ای داشته‌اند و اکنون که فرزند خود را در همان سنی می‌بینند که حسرت‌ها برایشان شکل گرفته تلاش می‌کنند برای ارضای خود، برای او هر چیزی بخرند. این کار به آنها احساس خوشایندی می‌دهد و از این وضع لذت می‌برند؛ آن‌ها که توجه داشته باشند چنین عملکردی چه تاثیر منفی بر رشد فرزند خواهد داشت. آنها باید از مشکل خود آگاهی پیدا کنند.

### پول خرج کردن به جای وقت خرج کردن

حسین کاظمی، پدری 46 ساله و صاحب دو فرزند است. او مدیرعامل یک شرکت موفق است و بیشتر زمان خود را صرف کارکردن می‌کند. افتخار او به این است که برای فرزندان خود رفاه کامل را فراهم آورده و در این زمینه بسیار موفق بوده است.

ماه پیش یکی از دبیران پسرش آقای کاظمی را به مدرسه خواست. او از رفتارهای پسر گله داشت. آقای کاظمی هم

طلبکارانه سینه سپرکرد و گفت: «من به عنوان یک پدر موفق و دلسوز تمام وقت خود را صرف کارکردن می‌کنم. پس فرصت کافی برای بودن با فرزندم را ندارم. در عوض او را در یک مدرسه خوب ثبت‌نام کرده‌ام و از شما توقع دارم این کار را انجام دهید. شما موظف به پرورش فرزندم هستید.» دبیر حرف‌های او را گوش کرد و پاسخ داد: «یک پدر واقعی هرگز زمانی که باید برای فرزندش صرف کند را با پول تعویض نمی‌کند. پول نمی‌تواند جایگزین محبت والدین باشد و بهترین دبیر هم دربردارنده هویت پدر نیست. پس کمی از زمان کار خود کم کنید و آن را به فرزندتان اختصاص دهید.»

لیلا رعیت